

غارت یا سرقت عسل توسط جمعیت کندوهای مجاور

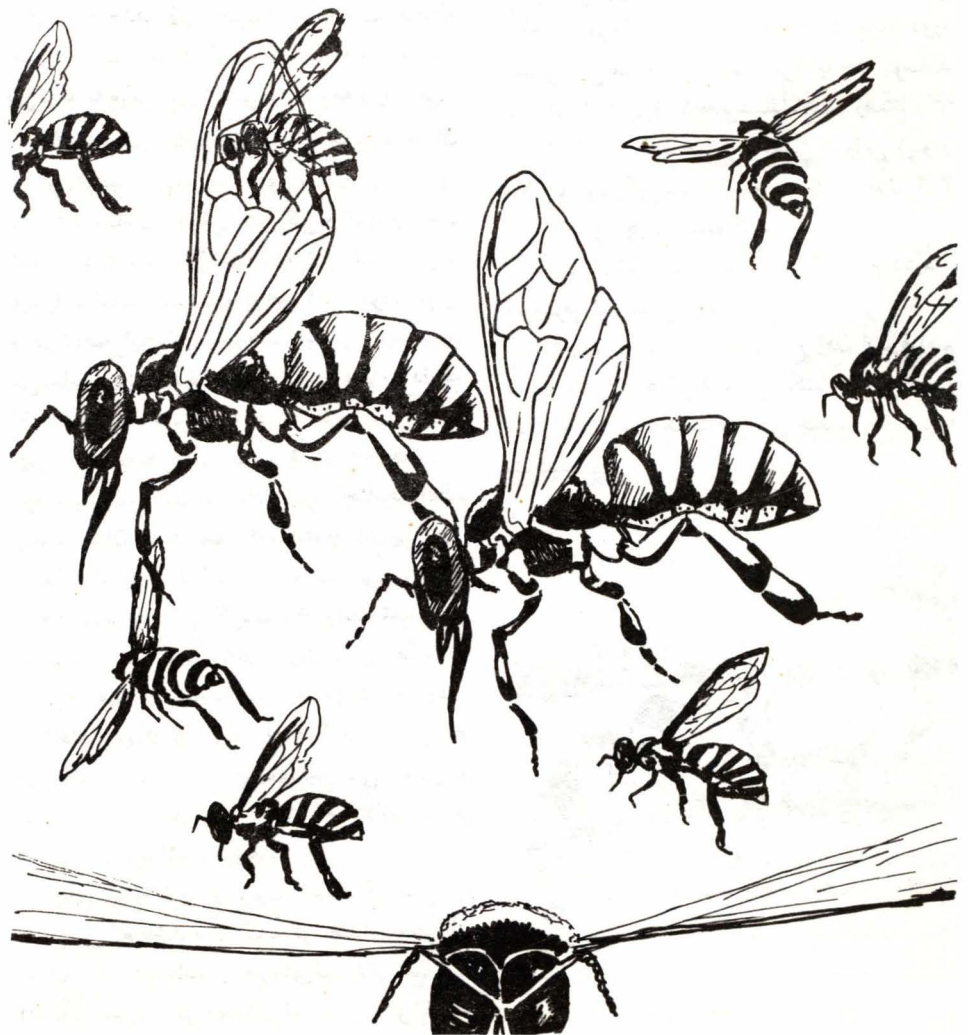
منبع: مجله vita in campagna چاپ ایتالیا

مترجم: حسن حاج نجاری

به دلایل مختلف زنبورهای يك کندو متفقاً به ذخائر عسل يك کندوی خاص حمله ور می شوند. این پدیده غارت نام داشته و به دو صورت به عمل می پیوندد: یعنی عمل تهاجم می تواند هم بسیار سنگین و مشهود باشد و هم به صورت خفیف و نامشهود، که در هر دو صورت و در اغلب موارد به دلیل بی توجهی زنبوردار به عملیات اصولی زنبورداری شروع و گسترش می یابد. غارت سنگین بسیار واضح بوده و شناسایی آن مشکل آفرین نیست، چرا که در این مورد يك نبرد وسیع و سنگین بین زنبورهای نگهبان و مهاجم روی میدهد، و معمولاً در مجموعه کندوها فراگیر نبوده و صرفاً در بعضی از آنها مشاهده می شود، ولی این امکان نیز وجود دارد که تمام جمعیت ها به این عارضه مبتلا گردند.

جمعیت کندوی غارتگر در ابتدا علائم خاصی از خود نشان میدهد، فعالیت جمع آوری شهد را رها نموده و حالت تحرك فزاینده و شدید به خود گرفته و سپس در يك توده متراکم به سوی يك هدف مشخص حمله می کند.

این زنبورها که فعالیت معمولی خویش را کنار گذاشته اند، دارای پرواز منظم و همیشگی خویش نیستند. جلوی محل ورودی به کندوی مورد تهاجم درگیری های بسیار مشهودی به صورت جنگ های تن به تن به چشم می خورد، که کارگرهای مهاجم از يك سو و نگهبانان کندوی مورد تهاجم از سوی دیگر به زورآزمایی پرداخته اند. تشخیص این نوع درگیری ها آسان است. بر لبه جلوی کندو زنبورهایی به چشم می خورند که درهم آویخته و بر روی هم غلت می خورند. این جنگ تن به تن، در اغلب موارد با مرگ یکی از طرفین درگیر و یا هردو طرف خاتمه می یابد و در پایان نبرد تلی از لاشه ها جلوی کندو انبار می شود. این نکته قابل توجه است که زنبور کارگری که به هر طریق در نبرد پیروز می شود، دیگر در شرایط ایده آل خود در جهت پیشبرد فعالیت های معمولی کندو نخواهد بود. بنابراین خسارت «غارت» محدود به سرقت عسل نیست، بلکه فراگیر بوده و نیروهای زخمی و معلول را نیز دربر می گیرد. زمانی که غارت سنگین به وقوع می پیوندد زنبورهای مهاجم هیچ زنبوری را تا فاصله چند صد متری از محل خود تحمل نکرده و او را در امان نخواهند گذاشت. نکته قابل توجه این است که کلیه زنبورهای مجاور این حالت را حس کرده و به حالت آماده



باش در می آیند، و این به علت صدور يك فرمون ویژه از محل نیش گاه کلیه زنبورهای مهاجم است، در حقیقت وجود حالت آماده باش و وجود فرمون ویژه در فضا دقیقاً با هم در رابطه مستقیم می باشند. مدت زیادی نمی گذرد تا مهاجمین پس از پشته کردن گروه بی شماری از اجساد در جلوی مدخل کندو وارد آن شده و به غارت موجودی عسل آن می پردازند. اگر زنبورهای که در این مرحله از زمان از کندو خارج می شوند را مورد معاینه قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که آنان دارای شکمی بسیار متورم و آماس کرده هستند، در حالی که زنبورهای درحال ورود با شکمی باریک، می روند تا حاصل غارت لحظه بعد را برای کلنی شان حمل نمایند. جهت شناسایی کلنی کندوی غارتگر، کافی است مقداری آرد جلوی کندوی غارتزده پیاشیم تا بینیم زنبورهای آغشته به آرد به کدام کندو برمی گردند. به محض مشاهده پدیده غارت بایستی مداخله کرد وگرنه کندوی غارتزده کلاً نابود می شود. پدیده خنثی، یکی از ترفندهای جمعیت مهاجم کشتن ملکه برای سلب قدرت مقاومت از مجموعه خانواده کندوی مورد حمله است. روشن است که کندوی بدون ملکه یتیم باقی مانده، بدون ذخائر و دارای اعضای منهدم هیچ گونه احتمالی برای رشد و گسترش نخواهد داشت و محکوم به نابودی خواهد بود. البته، جمعیت مهاجم نیز خساراتی را متحمل می شوند، زیرا کارگران مهاجم به سرعت پیر و فرتوت شده و به نوبه خود قادر به انجام عملیات محوله در کندو نخواهند بود.

از سوی دیگر در طول مبارزه تعدادی از زنبورها ناپدید و مفقود می شوند، اینان در حالی که خود را دور از خانه می یابند دیگر به کندوی خویش رجعت نمی کنند.

خطر اصلی مربوط به پدیده غارت امکان شیوع بیماری هاست. همان گونه که در جنگل قوی بر ضعیف حاکمیت دارد و حیوان ضعیف تر همیشه طعمه آسانی محسوب می شود در يك مجتمع زنبورداری نیز چنین است. در حقیقت کندویی مورد حمله خانواده های قوی تر واقع می شود که دارای اعضای ضعیف یا مریض باشد. وجود بیماری در میان کلنی ضعیف مورد تهاجم، حمله کنندگان قوی را نیز در معرض آلودگی قرار میدهد. مهاجمین آلوده، ابتدا ناقل میکرب بیماری موجود در کندوی مورد حمله به کندوی خود و سپس به کندوهای دیگر خواهند بود. «غارت» از این بعد دارای مضرات بیشتری



در صورت عدم وجود يك زنبوردار دیگر در منطقه نزدیک ما بوسیله پاشیدن آرد قادر خواهیم شد تا کندوی غارتگران را مورد شناسایی قرار دهیم. خطر غارت خفیف همانند نوع دیگر آن خطر امکان شیوع بیماری هاست. ضمناً، علاوه بر این خطر، خطر دیگری نیز وجود دارد. چرا که اگر غارت خفیف بعد از انجام کنترل پاییزه زنبوردار اتفاق افتد، سبب نابودی ذخیره غذایی زمستانه کندوی غارتزده شده و آنان را بر اثر بی غذایی با مرگ مواجه خواهد کرد.

«دلایل غارت»

غارت پدیده ایست که می تواند در تمام لحظات فصول فعال سال (بهار - تابستان - پاییز) واقع شود، ولی به هر صورت توسط فاکتورهای نظیر آب و هوا، اوضاع نامساعد داخلی کندو، و اشتباهات احتمالی در عملیات زنبورداری نیز شدت و ضعف می یابد.

۱- «شرایط محیطی»

در مدت زمانی که گل به حد وفور وجود دارد، زنبورها شدیداً مشغول جمع آوری شهد و گرده گل ها بوده و بسیار به ندرت اتفاق می افتد از کار خود که از اولین طلیعه های سحر آغاز و تا پایان روز ادامه می یابد، دست بکشند. این زمان مناسب ترین فرصت جهت بازدید از کندوهاست، چون زنبورها فرصت تأمل درباره حضور ما را ندارند و لهذا احتیاجی به سرکش زنبورداری و یا مواد دودزا نیست. علاوه بر این، امکان انجام عملیات گوناگونی به منظور حصول اطمینان از عدم پدیده غارت وجود دارد. برای مثال: می توانیم يك قاب عسل را بیرون کشیده، آن را به صورت افقی نگاه داشته و روی کندوی باز تکانش دهیم، به شکلی که شهد و گرده های تازه چیده شده موجود در آن بیرون بریزد. با این روش می توان قدرت جمع آوری مقدار گرده بوسیله زنبورهای کارگر و در حقیقت سلامت عمومی در قدرت کاری آنان را تخمین زد. قطراتی که بر روی چوبهای قاب می ریزند توسط کارگران همان جمعیت مجدداً مکیده و انبار شده و از ورود غارتگران ممانعت به عمل می آید. در فصل شهدخیز سال کارگران حقیقتاً وقت خود را روی چند قطره عسل خام تلف نمی کنند. در این فاصله زمانی غنی از سال جهت تسهیل در مشاهده خود، می توانیم قابهای عسل را پس از بیرون کشیدن برای يك مدت به کندو تکیه داده و

است، چرا که وسیله ای برای شیوع بیماری ها نه تنها در کندوهای مختلف همان زنبورداری، بلکه باعث ابتلای زنبورداری های مجاور نیز میگردد.

«غارت خفیف» برعکس غارت سنگین دارای آثار و مظاهر بیرونی مشخصی نیست. این نوع غارت در زمانی طولانی، بدون وقوع جنگ های خشونت بار بین کلنی ها و به طریقه ای کم و بیش پنهان واقع می گردد. در غارت خفیف، کارگران يك کلنی با فریب دادن نگاهبان کندوی دیگر، سارقانه وارد آن شده و در هر بار فقط مقدار کمی از ذخائر عسل موجود را استفاده می کنند.

این گونه سرقت بیشتر در اوقاتی دیده می شود که در جعبه کندوها ترك خوردگی، شکاف یا سوراخی وجود دارد که حُکم يك مدخل ثانوی را برای غارتگران پیدا می کند. معمولاً، نوع دوم غارت از انتظار زنبورداران مخفی می ماند و کلنی مورد تهاجم نیز کم ترین عکس العمل دفاعی از خود نشان نمیدهند. جهت کشف سرقت بایستی کارگران را در هنگام ورود زیر نظر گرفت. در صورت وجود حرکت های مشکوک در محل مدخل کندو، بایستی اطمینان حاصل کرد که آیا کارگران سارق احتمالاً سعی ورود به کندو را دارند یا خیر. برای حصول اطمینان نیز، یکی از زنبورهای در حال خروج را گرفته و معاینه می کنیم. اگر زنبور غارتگر باشد کیسه عسل او پر است که محتوای آن را به صورت قطرات از نوک زبانش پس میدهد. برعکس زنبور غارتگر، زنبور شهدآور هنگام خروج دارای کیسه عسلی کاملاً خالی بوده و در دست ما هیچ قطره ای از نوک زبانش بیرون نخواهد زد. در این مورد نیز،

دور می‌زند، جمعیت‌های ویژه تولید ملکه و جمعیت تولید ژله رویال می‌باشند. به همین طریق، در محل‌های پرورش زنبور عسل جایی که اقدام به تشکیل کلنی‌های جدید می‌شود، بایستی کمال دقت را به عمل آورد، چرا که کلنی‌های کم جمعیت و ضعیف به صورت همزمان در کنار کلنی‌های قوی‌تر قرار می‌گیرند، که در صورت کمبود غذا، کلنی قوی به عنوان یک خطر بالقوه تبدیل به یک خطر بالفعل شده و به غارت همسایگان خواهد پرداخت.

۳- «اشتباهات زنبوردار»

در اغلب موارد پیدایش غارت ریشه در اشتباهات عملیات زنبورداری دارد که از میان آنان به چند مورد مهم اشاره می‌کنیم.

۳-۱- بازدیدهای زیاده از حد طولانی از کندو، چه در زمان پایان شهددهی گل‌ها و چه زمانی که جریان شهددهی قلیل وجود دارد.

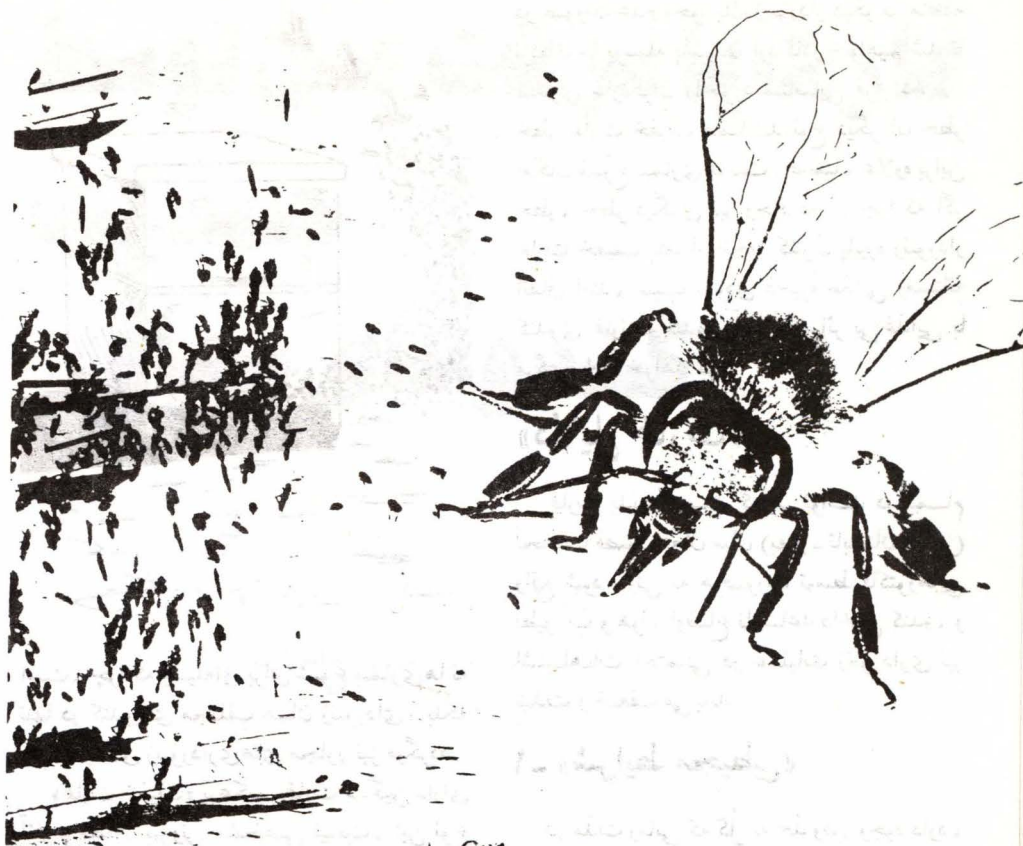
۳-۲- انجام عملیات زنبورداری در ساعات نامناسب. مثلاً: قراردادن شانه‌های عسل‌گیری شده در کندو در طول ساعات صبح و بعد از ظهر به جای شب. بوی قوی عسل زنبور را تحریک به غارت می‌کند و اگر عسل‌گیری از کندو در روز انجام پذیرد، نتایج وخیمی در بر خواهد داشت.

۳-۳- در زمان کاهش گل‌دهی در صورت شکستن شانه‌های عسل در هنگام بازدید کنترل، ریزش عسل باعث هجوم غارتگرانی می‌شود که جذب کوچکترین قطره آن می‌شوند.

۳-۴- باقی‌گذاشتن قطعات مختلف کندوی آغشته به عسل، شانه‌های عسل‌گیری شده و نشده و دیگر وسایل، همگی سبب تحریک غریزه تجاوزگری زنبورها به کندوی ضعیف‌تر می‌گردد، که نهایتاً عادت به استفاده از غذای «رایگان» پیدا می‌کنند. علاوه بر این، غارت در میان جمعیت‌هایی که در محل ثابتی بوده، توسط دسته‌ای که کندوهایشان کوچ داده شده است نیز دیده می‌شود.

این مورد وقتی واقع می‌شود که زنبورهای کندوهای کوچ داده شده به دلیل استفاده از مواد غذایی گل‌های متنوع دارای رشد بیشتری بوده و از قدرت کاری و تولیدمثل بیشتری برخوردارند. در حالی که کلنی‌های ثابت صرفاً به استفاده از یک نوع فلور محدود منطقه، در طول سال پرداخته که در نتیجه جمعیت آنان نسبت به دسته قبل از رشد کمتری برخوردارند.

در این شرایط هم امکان صورت پذیرفتن غارت بسیار زیاد است. ❀



خاص کلنی‌هایی که هنوز به صورت خوشه زمستانی مانده‌اند، به اندازه کافی نگرهبانی نمی‌شوند، و این خود انگیزه‌ای قوی برای شروع حمله توسط کلنی‌های آفتابزده است. در طول دوره گل‌دهی گیاهان نیز گاه اتفاق می‌افتد که شرایط جوی به صورت ناگهانی تغییر یافته و این خود باعث کاهش ناگهانی شهدزایی در گل‌ها می‌گردد، در چنین وضعیتی زنبوران صحرا روی گرسنه بدون اشتغال مانده و بنابراین دست به جستجوی منبع غذایی ثانوی می‌زنند که اگر کندوی ضعیف و بیدفاعی در زنبورداری پیدا کنند به غارت آن می‌پردازند.

۲- «شرایط نامساعد داخلی کندو»

آن دسته از کلنی‌هایی بیشتر در معرض خطر غارت هستند که دارای قدرت دفاعی ناقص بوده و یا مریض و ضعیف باشند. (استفاده از حشره‌کش‌ها در زمین‌های زراعی، معمولاً به جمعیت زنبورهای کارگر لطمه کاری زده و قدرت دفاعی آنان را کاهش می‌دهد).

جمعیت‌های دیگری که سایه خطر بر سرشان

بدون این که زنبور غارتگری نزدیک شود، آنان را مورد معاینه قرار دهیم. اما هنگامی که جریان شهدزایی گل‌ها تقلیل یابند همه چیز تغییر می‌کند. مرحله زمانی خطرناک معمولاً پایان تابستان است، یعنی زمانی که گل‌زایی گیاهان کاهش یافته و در اکثر موارد پایان می‌یابند. در این مقطع زمانی کلنی‌ها رشد زیادی یافته‌اند، و زنبورها با سماجت به دنبال هرگونه منبع غذایی در دسترس هستند، درست در چنین حالتی است که بدون وجود هیچ دلیل ویژه دیگری «غارت» صورت می‌گیرد. در حقیقت تعداد قابل توجهی از زنبورهای گرسنه در حالی که مجذوب بوی بسیار خوش عسل جمعیت دیگری گشته‌اند، حالات خاصی به آنان دست داده و به یک هدف معین حمله می‌کنند.

در طول ساعات روز، کندوهای موجود در یک زنبورداری می‌توانند موقعیت‌های مختلفی نسبت به مسیر تابش آفتاب داشته باشند. مثلاً، برخی در یک مدت کم و بیش طولانی در سایه واقع و بعضی دیگر دائماً در مسیر تابش آفتاب می‌باشند. تابش زیاد آفتاب بر کلنی‌های آفتابزده باعث باز شدن سریع‌تر خوشه زمستانی آنان نسبت به دیگر کلنی‌ها می‌شود. در این وضعیت